

ارزش تعلیمات جنگی

در عصر درخشان ساسانی

در عصر فرحنده ساسانیان
که درخشانترین دوره تاریخ
ایران باستان بسویزه درزمینه
دانش و فرهنگ است، هزارها
کتاب در زمینه های گوناگون
دانش و ادب و هنر و مسائل مذهبی
و حقوقی و افسانه ها و داستانه
نوشته شده بوده و تا آنجا که آثار
موجود حسایت دارد میتوان بچراغ
ادعا کرد که ایران آن زمان، کانون
علم و فرهنگ و هنر جهان بوده
است.

نام برخی از این کتابها در
متون کتب عصر اسلامی آمده و
نیز برخی از آنها بزبان عربی
ترجمه شده و پایه و بنیاد فرهنگ
درخشان عصر اسلامی گردیده
است.

نوشته
سر محمد علی ابراهیم شوشتری

اما افسوس، گذشته از اینکه متون اصلی این کتابها از میان رفته و حوادث زمانه آن گنجینه‌های گرانبها را از دسترس ما بیرون برده است، ترجمه عربی آن کتابها بجز تعدادی انگشت شمار نیز باقی نمانده است.

در میان کتابهای تاریخ و ادب و سیری که در عصر اسلامی بزبان عربی نگاشته شده، تکه‌هایی بعنوان شاهد مطلب از آن کتابها نقل کرده‌اند که خوشبختانه هم اکنون باقیست و همین تکه‌ها که هر کدام در زمینه فن یا دانش مخصوصی است. مارابگسترش میدان پهناور تمدن عصر ساسانی^۱ میتواند رهنمون گردد و درجه اعتلای آن تمدن درخشنده را بازگو کند.

بتشویق دوست دانشمند دکتر بهرام فره‌وشی اینک دو تکه از آن ترجمه‌ها را که درباره فن سپاهیکری و بارو کشایی و تعلیم سپاهیان در زمان صلح و بازرسی میزان ورزیدگی و پیشرفت سربازان است، از دو کتاب معروف ترجمه و در دو گفتار برای مجله گرامی «بررسی‌های تاریخی» می‌فرستم.

تیکه نخستین از کتاب اخبار الطوال تألیف احمد بن داود بن ونددیونوری مکنی بابو حنیفه در گذشته بسال ۲۸۲ هجری است. این نویسنده در میانه سرگذشت خسرو اول ملقب به انوشیروان از جمله چنین آورده است:

«خسرو مردی از دبیران را که بابک پورنهروان نام داشت^۱ که زیرک بود و بخردمندی و توانائی مشهور. خسرو سرپرستی دیوان سپاه را باو سپرد. روزی بابک بشاه گفت: شهریارا. مرا بکاری گماشته‌ای که پیشرفت آن در آنست که از من اندک سختگیری را تحمل کنی. هر چهار ماه یکبار رژه گرفتن از سپاهان و ادا ساختن هر دسته بتکمیل ابزار جنگی خود و رسیدگی بکار آموزگاران سپاه که تا چه اندازه دریاد دادن سوارکاری و تیراندازی بسربازان کوشیده‌اند و آیا در کار خود کوتاهی کرده یا پیش‌رفته‌اند انجام میگیرد. و توفیق در این کارها نیازمند سیاستی است که گردش کار را بر راه راست بدارد. خسرو گفت چیزی که درخواست کردی در سود آن، من و تو شریک هستیم و آسودگی خیال

۱- گمان میکنم نام پدر بابک مهران بوده که در جات عربی بواسطه اشتباه نساخان نهروان شده و خاندان مهران از دودمانهای بزرگ ساسانی بوده و افراد این خانواده سمتهای بزرگی در کارهای دبیری و جنگی داشته‌اند.

پس از انجام آن، از آن من بکنهای است. برو و خواسته خود را بکار بند. بابک دستور داد در میدان رژه سکویی برایش ساختند و بر آن فرشهای گرانبها گستر دهند. سپس بر سکو نشست و از سوی او ندا در دادند هر يك از جنگیان، باید برای رژه در میدان حاضر شود. چون همگی آمدند در میانشان خسرو را ندید، سپاهیان را مرخص کرد و از میدان باز گشتند. روز دوم نیز چنین کرد و باز خسرو را در جرگه سپاهیان نیافت و آنان را مرخص کرد.

روز سوم فرمان داد جار کشیدند: هیچکس از جنگیان حق ندارد از آمدن بمیدان باز ایستد حتی آن سربازی که باتاج و تخت گرامی گردیده است. رژه ایست همگانی و هیچکس مرخصی ندارد و ملاحظه کاری را نیز در آن راه نیست. چون این ندا بگوش خسرو رسید جامه جنگ در پوشید و بر اسب نشست و خویشان را در میدان بر بابک عرضه کرد. چیزیکه از اسواران در رژه ها میخواستند اینها بود: بر گستوان اسب، زره، کژاگند، خود، گردنبوش، دودستبند، دو ساقبند، يك نیزه، يك سپر، يك گرز کوچک که بکمربند سوار آویخته میشد، تبرزین و گرز بزرگ که بزین اسب آویخته بود، يك تر کش که در آن دو کمان بود زه کرده باسی شاخه خدنگ، و دوزه يد کی بهم پیچیده که سوار آنها را بیشت خود میآویخت.

خسرو با سلاح کامل، مگر آن دو زه يد کی که باید به پشت خود خویش آویخته باشد خویشان را بر بابک عرضه کرد. بابک سلاح او را واری کرد و چون دو زه يد کی را نداشت او را برگردانید. شاه برگشت و دو زه به پشت خود آویخت و بار دیگر آمد که از جلوی بابک بگذرد. بابک نام او را بصدای بلند بر خواند و در دفتر یادداشت کرد و بانگ زد: حقوق آقای همه جنگاوران چهار هزار و یکدرهم.

بیشترین حقوقی که بابک می توانستی داد چهار هزار درهم بود و او حقوق خسرو را یکدرهم بیشتر کرد. چون رژه پایان رسید و سربازان از میدان برگشتند بابک نزد خسرو رفت و گفت: شهریارا از سختگیری که نشان دادم مرا سرزنش مکن زیرا اجرای دادگری و کندن ریشه تبعیض

جز این راهی نداشت. خسرو گفت کسیکه بر ما بخاطر اجرای قانون و صلاح پادشاهی سخت گیرد در برابر او بردبار خواهیم بود زیرا رفتار او مانند دارویی تلخ است که برای سودش آنرا باید خورد. »

متن مورد بحث که ترجمه آن در بالا آورده شد و باید مأخوذ از کتاب خدای نامک عصر ساسانی باشد، ما را بچند نکته ارجدار در زمینه فن سپاهگیری در روزگار ساسانیان آگاه میسازد بدینگونه:

۱ - از روی همه داستان بخوبی مستفاد میشود که در آن عصر، در اجرای فرامین و مقررات سپاهگیری حتی در زمان صلح نهایت دقت را بکار می بستند و میکوشیدند مقررات در مورد همگان یکسان اجرا شود و شخص شاه نیز از مقررات سربازی معاف نبود و چون خسرو فراموش کرده بود دو زه یدکی را در هنگام عرض سپاه به پشت خود خویش بیاویزد باید برگردد و دو زه را بیاویزد و باز جلو سکوی عرض بیاید تا نام او خوانده شود.

۲ - و نیز از این سند چنین برمیآید که بالاترین حقوق افسر در عصر ساسانی ۴۰۰۰ درهم بوده. و چون در هر عصر ساسانی برابر ۴/۲۶۵ گرم وزن داشته است بهای آن بر مبنای نرخ سیم در امروز ۱۵ ریال و چهار هزار درهم چنین خواهد بود.

$$۶۰۰۰۰ \text{ ریال} = ۱۵ \times ۴۰۰۰$$

نکته ای که از دیدگاه اقتصادی باید در نظر گرفت آنست که در آنروز بهای سیم نسبت بدیگر کالاها خیلی بیش از عصر ما بوده بعبارت بهتر قدرت خرید در هر ساسانی یا ارزش پولی آن بیش از میزانی است که در بالا گفته شد و ما میتوانیم میزان آنرا از روی نسبت بهای سیم بزر بدست بیاوریم. نسبت بهای سیم به زر در عصر ساسانی برابر یک بسیزده بوده است در حالی که امروز نسبت بهای سیم بزر در بازار تهران برابر یک بچهل است. بنابراین باید رقم شصت هزار ریال را در سه ضرب کرد تا حقوق نقدی افسر عصر ساسانی بیول امروز مشخص گردد.

علاوه بر این حقوق، سربازان جیره و خواربار نیز میداشتند و در هنگام جنگ همگی مخارج از خزانه مرکزی پرداخته میشد.

این سند تاریخی و ارزشمند، ظاهر آقدیمترین سند روابط ایران و اطریش است که در دسترس میباشد و آنرا فاضل محترم آقای محسن مفخم که کتابی مفصل در مورد تاریخ روابط سیاسی اطریش در دست تألیف دارند، از مجموعه اسناد و مدارك تاریخی خود برای درج در مجله بررسی های تاریخی در اختیار ما گذاردند و مجله بررسی های تاریخی با سپاسگزاری از ایشان بدرج آن مبادرت می نماید.

بررسی های تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فردینا ندوس شستین امیراطور و باوش آونزیا و ملک مجار وچ وغیرہ
 باعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت برادر والا کھر محمد شاہ قاچار شہنشاہ ملک ایران
 و توران دعا و سلام فرو از حد و قیاس میرساند درین اوقات سرت عدالت جا سلا چھا
 مجدت و بغدت ہوا سفیر بزرگ دولت علیہ ایران حسین خان وارد دار الملک و بندہ شدہ
 و نامہ مہوت علامہ شاہنشاہ ہمارا در ملقا مخصوص بطرف امیراطورانہ تسلیم و بیعات دوسرا پان
 کرد و از مفہوم آنها ابا شہوت و حسنی علیحضرت شہنشاہ ایران باین محب قلبی معلوم و آشکار
 و بخت مطلوب دونے و اخلاص پروری این محب کردید امید داریم کہ علیحضرت شایستہ ہی
 نیزین دوستی بے شک و شبہ باور و یقین فرمایند کہ عنای دستانہ ما نیست کہ در ہر دیار و افاقہ
 مشرق و در مملکت واسع ایران آسایش و راحت ملل و المم باقبال آن برادر بزرگوار پایدار
 و استوار خواهد بود و جناب الہی بزرگ احسن رفا و قابلیت خود لایق و سزاوار حسن
 نوبت امیراطورانہ گشت و نیز در خلوصیت تا آگاہی حاصل نمود و ما ہمیشہ طالب
 حسنی و بیکامگی و از باد عمر و دولت شہنشاہی مایل ہستیم و نیز ایہم کہ حسنی قدیم کہ در میان
 دولت قوی شوکت و زبردت بحسن نیت آن برادر والا کھر و اخلاص سنوی و آرزوی
 باقی ایام سلطنت و حکمرانی علیحضرت شاہ
 امیراطورانہ زیادتر و مستحکم تر شو بہ وجود

مستندہ ماد برب العباد دی پای تخت شہر و بندہ بعد از میلاد مسیح ۱۸۴۹
 ۱۱۱۱

ترجمہ نامہ امیراطورانہ

بجایۃ اللک الوہاب

عکس ترجمہ «نامہ» امیراطور اتریش بہ محمد شاہ قاچار

ترجمه نامه امپراطورانه.

بغایة اله الملك الوهاب

فردیناندوس نخستین امپراطور و پادشاه آوستریا و ممالک مجار و چه
و غیره هم باعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت برادر والا گهر محمد شاه قاجار
شهنشاه ممالک ایران و توران دعا و سلام فرو از حد و قیاس میرساند. در این
اوقات مسرت علامات جناب عالیجاه مجدد و نجدت همراه سفیر بزرگ دولت
علیه ایران حسین خان وارد دارالملك وینه شده و نامه مودت علامه شاهانه
رادر ملاقات مخصوصه بطرف امپراطورانه تسلیم و پیغامات دوستانه را بیان
کرد و از مفهوم آنها اثبات مودت و دوستی اعلی حضرت شهنشاه ایران باین محب
قلبی معلوم و آشکار و باعث محظوظیت درونی و اخلاص پروری این محب گردید.
امیدواریم که اعلی حضرت شاهنشاهی نیز این دوستی بی شک و شبهه [را] باور و یقین
فرمایند که تمنای دوستانه ما اینست که در همه دیار و آفاق مشرق و در مملکت
واسع ایران آسایش و راحت ملل و امم باقبال آن برادر بزرگوار پایدار و استوار
خواهد بود و جناب ایلچی بزرگ از حسن رفتار و قابلیت خود لایق و سزاوار
حسن توجهات امپراطورانه گشت و نیز در خلوص نیت ما آگاهی حاصل نمود
و ما همیشه طالب دوستی و یگانگی و ازدیاد عمر و دولت شهنشاهی مایل میباشیم
و میخواهیم که دوستی قدیم که در میان دو دولت قوی شوکت روز بروز بحسن
نیت آن برادر والا گهر و اخلاص مندی و آرزوی امپراطورانه زیادتر و مستحکم تر
شود بمنه و جوده. باقی ایام و سلطنت و حکمرانی اعلی حضرت شاه ایران بی-
پایان و مستدام باد. برب العباد. در پای تخت شهر وینه بعد از میلاد مسیح

اواخر مارت ۱۸۳۹

دوست. فردیناندوس

بزرگین دوسی سے تعلق و بہہ باور و بین لایمہ نہ متاقی ہو سکتا۔

مشرق و درمملکت واسع ایران آسایش و راحت ملل و اہم باقبال آن برادر بزرگوار پایدار

و استوار خواہد بود و جناب ابجدی بزرگ از حسن رفتار و قابلیت خود لایق و سزاوار حسن

توجہ است بہر طبع و ذکاوت و نیز در خلوص نیت و انکاہی حاصل نمود و ما ہمیشہ طالب

حسنی و یکانگی و از باد عمر و دولت شہنشاہی مایل پریشام و میخواستیم کہ حوضی قدیم کرد در میان

دولت قوی شکت روز بروز بحسن نیت آن برادر والا کھر و اخلاصی منور و آرزوی

باقی ایام سلطنت حکمرانہ علی حضرت

امپراطورانہ زیاد تر مستحکم تر شود مہذوبہ

۱۳۲۵
ماریت
در پای تخت شہر وینہ بعد از میلاد مسیح
ایران سے بابان و مستدام باد برب العباد

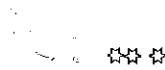
حرف
فردیناندی

پڑوش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Traduit
par V. de Buffard
Conseiller antique actuel
Chargé des fonctions de
2^e interprète de Cour.

«مورخ باید سیر فکر بشر را که در عالم نظم غیر قابل اجتناب بخود
واگذار شده تعقیب کند.»

ولتر Voltaire



«عالیترین مقام و درجه در فرهنگ بشری شناسائی بشریت
است. تاریخ، برای رسیدن باین مقام حدود مرسوم خود را در باب
امور جامعه و جنگ و مذهب شکسته تا بتواند همه تجلیات روح
بشری را ثبت نماید. ادبیات که بیان خواسته‌ها و آرزوها و تخیلات
و ذوق بشر است باندازه علم که نمودار اراده او برای کسب دانش
است باین پیشرفت کمک شایان نموده است. کمک ادبیات منحصر
بسیک و شکل نبوده که در کتب بعنوان «تاریخ از جنبه ادبیات
ذکر شده» بلکه بمراتب فراتر رفته و بمورخین بصیرتی عمیق و
دقیق نسبت بروح بشری اعطاء کرده است. ولی هر وقت مورخ
طوری تحت تاثیر ادبیات قرار گرفته که از علم غافل مانده یا برعکس
علم برب جنبه ادبی فائق آمده، تصویری که از حال بشر داده شده تار
و نادرست است. تاریخ وقتی بمرحله کمال نزدیک میشود که دانش و
هنر هم آهنگ باهم کار کنند..»

از کتاب «فلسفه تاریخ» تالیف

امری نف Emery Neff ترجمه دکتر فریدار

بقلم پروفیسور R. M. SAVORY

استاد دانشگاه تورنتو (کانادا)

ازچہ موقع

ایرانیان برای اولین بار

اسلحہ گرم بکار بردند

ترجمہ :

سرتیب رجبعلی امیری